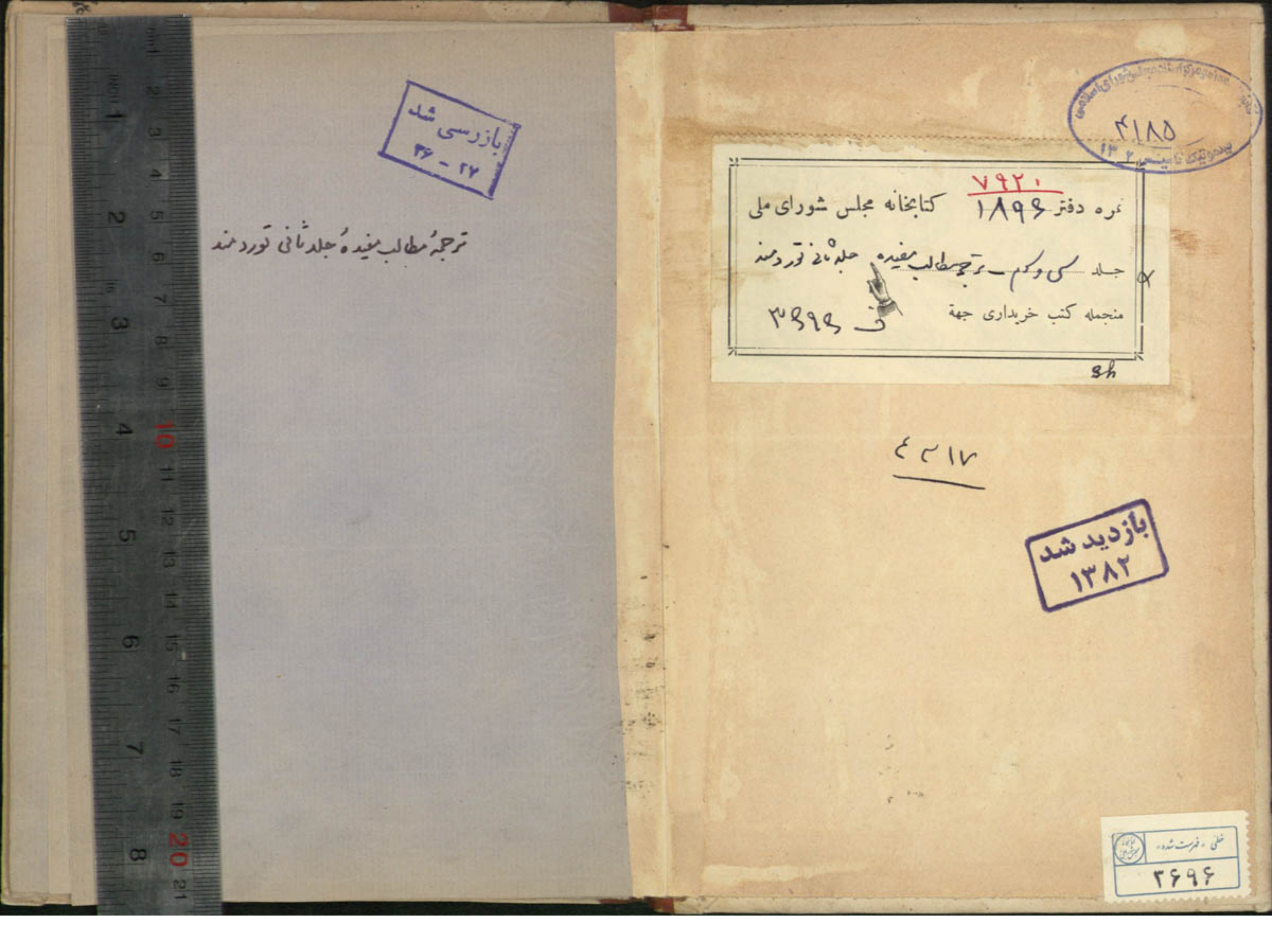
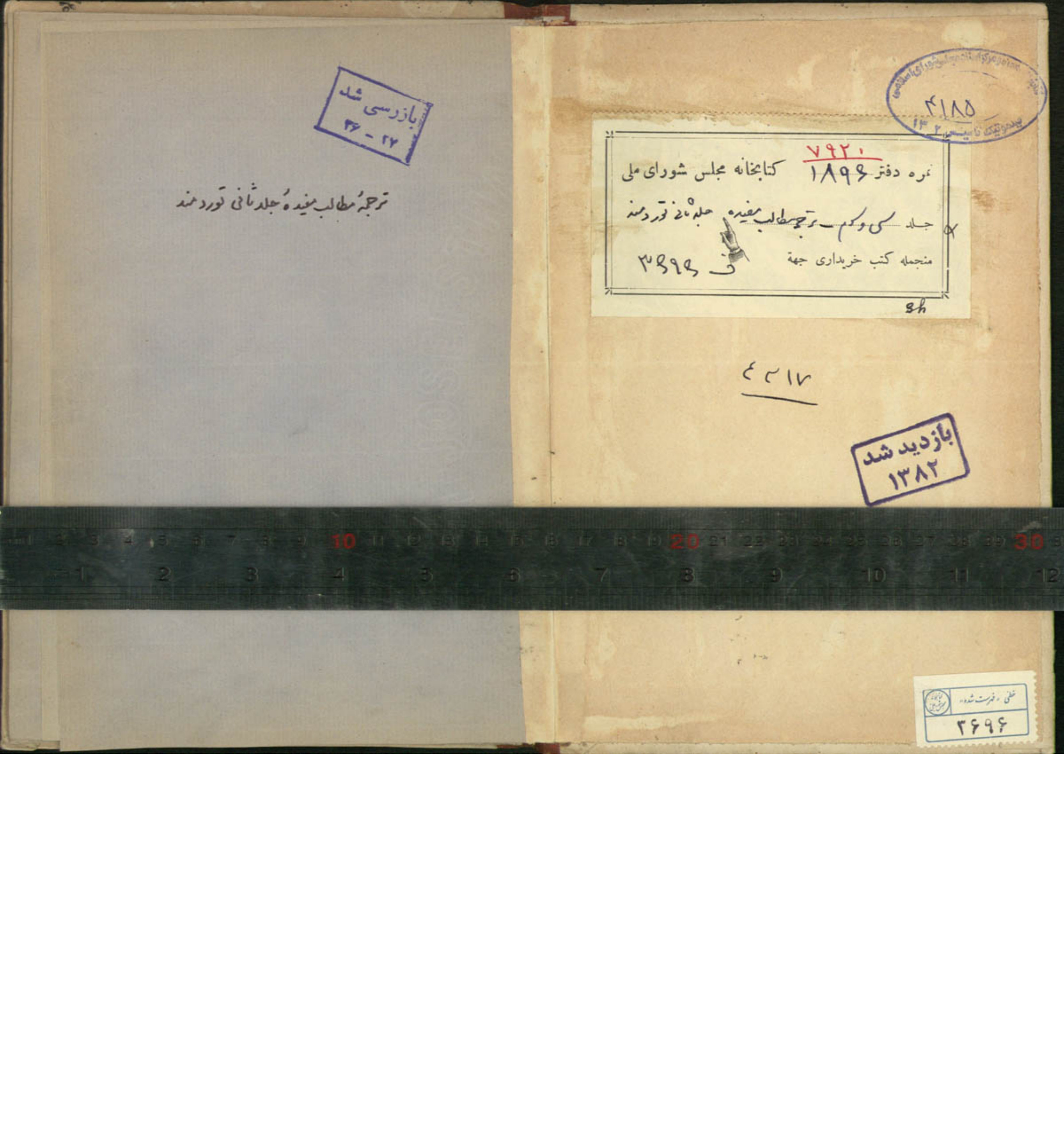


ترجمهٔ میرزا عیسی خان از فرانسه

شعبان سنه ۱۳۰۱


بازرسی شد
۲۷ - ۳۶
ترجمهٔ مطالب مفیده جلد ثانی توردمند
۴۱۸۵
۷۶۲۰
نمره دفتر ۱۸۹۶ کتابخانه مجلس شورای ملی
جلد ترجمه مطالب مفیده جلد ثانی توردمند
منجمله کتب خریداری جهة
۳۶۹۶
۴۲۱۷
بازدید شد
۱۳۸۲
خطی - فهرست شده -
۳۶۹۶


بازرسی شد
۲۲ - ۴۶
ترجمهٔ مطالب مفیده جلد ثانی توردمند
کتابخانه مجلس شورای ملی
نمره دفتر ۱۸۹۶
۷۹۲۰
جلد سی و کم - ترجمه مطالب مفیده جلد ثانی توردمند
منجمله کتب خریداری جهة
۳۶۹۶
۴۱۸۵
۴۲۱۷
بازدید شد
۱۳۸۲
۳۶۹۶

بسم الله الرحمن الرحیم

ترجمهٔ مطالب مفیده که در جلدهای تایمز
توردمند مندرج است

کلومبی ینگی دنیای جنوبی

قوم آنتیوکنوس که در بلندیها و فراز جبال
کردیلر نشو و نما کرده اند در مملکت کوکا از برای
خود ایالتی دایر کرده و بزراعت مشغولند
رود (ریوشینشنا) حایل بین این ایالت
جدید الاحداث و ولایت آنتیوکیا شده
عدد نفوس این مردم کوهی پرجمعیت بالغه
بر چهل هزار نفر است

کارتاگو یکی از شهرهای قدیم ایالت
کوکا است اما توأنی کلومبی است که در فتح سنه
هزار و پانصد و چهل بنا شده است
چند باب خانه محکم و متینی که در کمرهای بنا سکن
اسپانیولیها بوده در دیده میشود که غیر

سکون و بایر مانده است
علف خودرو در میان کوچه و محله این شهر
الی ماشاء الله روئیده و بدرجه کمال
بلند شده است
هرگاه جماعت آمیوکنوس تجارت دادها کمکی
در وی نمیکردند بالمره ویران میشد و
صورت قبرستان بهم میکرد
عدد نفوس سکنه این شهر معینا سه هزار نفر
بیش نیست
ارتفاع این شهر از ساحل رود کوکا نهصد و چهل

زرع است مال التجاره که از داخله
مملکت یعنی از سمت شمال کوکا می آورند
باید از این شهر عبور نمایند و گمرک و وارداد
دیگرش را در این شهر از عهده بر می آیند
قبل از سنه ۱۸۶۰ ایالت کوکا آباد و پر منفعه
بوده است (بطوریکه محصول اغلب ایالات
کلومبی واقع شده بود) ولی بعد از تاخت
و تاز سیاهها و استیلای آنها رو بخرابی گذاشت
و اغلب شهرهایش با آتش ظلم آنها بسوخت

شیلی

مهاجرین بسیاری از سویس این اوقات از شهر
ژنو و شهر لیون و بُردو عبور کرده بمملکت شیلی
رفتند در روز یکصد و پنجاه و شش نفر راهی
شدند و تقریباً چهار صد نفر دیگر نیز در قلیل مدتی
راهی خواهند شد

شیلیها کمال همراهی را با این زارعین سویسی
بعمل می آورند و عنقریب کلونی عمده از سویسیها
در آنجا منعقد خواهد گشت و نه تنها سویسیها
بآنجا خواهند رفت بلکه این خیال مهاجرت
سرایت ببلوکات جنوبی (ورتمبرغ و ایالت

بادن) کرده در اهالی این دو نقطه نیز بشیلی
خواهد کشانید

چنین مینماید که شیلیها در جزو اهالی بوسنی
و هرزگووین را دعوت بملک خودشان
نموده و آنها را ترغیب و تطمیع کرده اند
که بنوا و بهرهٔ بزرگ خواهند رسید تاکنون
قریب بچهار صد نفر زیادی از بلاد و از ملک اصلی
و وطن مألوف خود هجرت گزیده و بشیلی
رفته است

محالی را که در مملکت شیلی از برای این مهاجرین

فرنگستان معین کرده‌اند جای خوب و مرغوب
و خوش آب و هوائی است رود پرگمن
از آن مملکت عبور و مرور مینماید همه قسم راه
مراوده آن مملکت را با سایر ولایات شیلی
مربوط دارد (یعنی هم بواسطهٔ راه آهن
و هم بواسطهٔ راه دریائی و هم بواسطهٔ راه
خشکی بهمه جای آن مملکت مربوط است)
از وقتی که جمهوری آروکانی بتصرف شیلی
درآمده از هر جهة خصوصاً از بابت اراضی
کثیر المنفعه ترقی کرده است و از اغلب ممالک
اروپا (یعنی از اهل سویس و المان و
فرانسه و ایطالیا خلق کثیری دعوت
نموده و بر عدهٔ نفوس سکنه اش کاملاً
افزوده است و خواهد افزود

ارژانتین

مهاجرت اهل فرنگستان بجمهوری ارژانتین
آناً فآناً در تزاید است
در سنهٔ ۱۸۸۳ عدد هجرت کنندگان وارد این
مملکت سی و پنج هزار و یکصد و بیست و
سه نفر بوده است ۳۵۱۲۳ و سال قبل از این سنه

پت و چهار هزار و چهارصد و چهل و چهار
نفر از این شماره بدرستی معلوم میشود که از
خارج چه جمعیتی در این ملک جای گرفته
و این جمهوریت بچه درجه آباد شدست

اسپانی

جزایر سانذویچ — چهارصد نفر
المان در زمستان بعزم توقف در جزایر
مزبوره از حول و حوش غرباً حرکت کرده
بودند در بین راه چهل و شش نفرشان



مرده بودند ولی در عوض پت و نه
طفل از آنها بدنیا آمده بود
بمجرد ورود بآنجا هر خانواری یک باب
خانهٔ چوبی داده بودند با اراضی قابل
زراعت و ملزومات دیگر
از قراریکه نگاشته بودند ازاین تقدیر
و بعد مکانی ناراضی نیستند

آفریقا

الجزیره — آب معدنی در این ملک وفور
دارد از جمله ۲۵ چشمه و منبعش از ۶۴ درجه

الی هفتاد و پنج درجه گرما دارند
بر روی غلب از این منابع بنای مختصری
کرده اند تا از برای مرضا و محتاجین پناه
و سایه باشد در سنه هزار و هشتصد و
هشتاد و سه پنجهزار و شش و چهل نفر مریض
بقصد تشفی باینجاها آمد و شد کرده بودند
مدتهای مدیدیست که در انجزیره بامتحان زراعت
چائی مشغولند تا بدرجه رسانیده اند که برگ
کرده و ساقه را ضخیم نموده ولی چائی متعارفی
نشده است این نبات را هنوز حکما نشناخته اند

معلوم نکنند وجه اختصاصش بملک چین
از چه راه است
این غلط است که مینویسند چائی نباتیست
منطقه ایست چراکه در هنککنگ واقعه
در عین نقطه واقعه در تحت منطقه عطارد
دیدیم و فهمیدیم که این نبات نشو
و نما نمی کند و بعبارة اخری چائی نمیشود
در چین این نبات را در کوهستانات واقعه
(۲۵) (۳۵)
در بین بیست و پنج و سی و پنج درجه گی عرض
جنوبی میکارند و باندک توجهی بفایده اش میرسند

در سوم ماه دسامبر سنه ۱۸۸۱ مدارس
مقدمات ولایت قسطنطنیه دارای ۱۲۸۳۱
نفر شاگرد بودند و در سوم ماه دسامبر ۱۸۸۲
پانزده هزار و سیصد و نود و چهار نفر که
از جمله هشت هزار و پانصد و هشتاد و دو نفرش
فرانسه و یکهزار و چهارصد و پنجاه و چهار نفر
یهود و نهصد و سی و پنج نفر مسلمان و سه
هزار و پانصد و هشتاد و هفت نفر خارجه است

اروپا

روسیه در سنه ۱۸۸۳ فاضل عدد



مولود بر متوفا در کل ممالک روسیه
دو کرور و یک صد و شصت و هفت هزار و
چهارصد و پنجاه و یکنفر نفر زیادت

از جمله

روس	۹۹۳۲۴۳	نفر
لهستانی	۱۰۴۵۰۷	نفر
فنلاند	۲۰۶۹۲	نفر
سیبری و ترکستانی	۴۹۰۰۹	نفر
جمعاً	۱۱۶۷۴۵۱	نفر

هرگز جمعیت اتاژونی بقدر جمعیت ممالک

روسیه (که دارای چهار صد کرور نفرات)
نمیشود اما میتوان گفت که بعد از این عدد
نفوس سکنهٔ آن ثانی از جمعیت روسیه
خواهد گذشت هرکس زنده باند صدق
اینمقال را خواهد دید

پطرزبورغ با وجود المان بودن اسمش
شهریست که روسیه از وی می تراود
و ارتودکسی از وی می بارد از هزار نفر
جمعیتش البته هشتصد و پنجاه و چهار نفرش
روس حقیقی و یکصد و چهل و شش نفر دیگرش

طوایف مختلفه دیگر میباشد
چنانکه از همه سکنهٔ این شهر یا که از بیست و
پنجهزار و ششصد و شصت و هفت نفرش [illegible]
نیت

ماسدوان و غراس در مدت
این دو سالی که تازه گذشته سیصد و پنجاه
باب مدرسه بلغار در ماسدوان و دویست
باب در غراس بنا شده است
همه این بناها را بزور وجه امدادیه ملت
بلغار و همت و اصرار آنها در یکبار بنا کرده اند

آلمان فاضل عدد مولود بر متوفا
در کل مملکت معظمه المان در سنهٔ ۱۸۸۱
پانصد و بیست و پنج هزار و هفتصد و پنجاه و
هشت نفر بوده است
عدد مهاجرین المان از بیست سال قبل تا کنون
به دویست و پنجاه هزار نفر رسیده است
نمیتوان این ممیزی را بقاعده جرح کرد و گفت
ربع جمعیت اتازونی ینگی دنیا بلاشبهه المانیان
و از اینقرار باید عدد مهاجرین المان تقریباً
در این بیست سال بچهار صد هزار رسیده باشد.

سوئد از قرار راپرت مجلس ممیزی
عدد نفوس اهل این مملکت در سنهٔ ۱۸۸۱
نه کرور و هفتاد و پنج هزار و دویست و چهل و
نه نفر بوده است از این شمارش چنین برمی‌آید
که شش هزار و پانصد و هفتاد و هفت نفر بر
جمعیت سال قبلش افزوده است و این
فزایش در شهرهای سوئد شده است نه در ولایات
هیچوقت عدد مهاجرین اینمملکت بشدت سنهٔ ۱۸۸۱
نبوده است از قرار راپرت کشیشها و سایر
مأمورین به تشخیص چهل و پنج هزار و نهصد و نود

و دو نفر از این مملکت بخارجه رفته اند
که از جمله چهل هزار و شش صد و پنج نفرش
با تازونی رفته است و بقیه بالمان و نروژ
و دانمارک و فنلاند مهاجرت کرده است

هلاند با همه مجاهده و اهتمامی که دولت
و ملت در سده بستن معمول داشته اند و
مخارج گزافی که کرده اند باز از لطمه موج دریا
و فرو کش کردن زمین مصون نمانده اند از اواسط
قرن شانزدهم تاکنون هرچه مصارف بعمل کرده اند
و هرچه تدبیر عملی بوده بخرج داده اند با همه این باز از لطمه
دریا محفوظ نمانده اند و پانصد و هشتاد و چهار
هکتار از زمینشان فرو کش شده است

اسپانیا یکی از رودخانهای آنجا
که موسوم به رژوگار است طغیانش از سایر رودها
بیشتر و خطرناکتر است در مدت چهل و پنج سال
بیست و چهار دفعه طغیان کرده و بیشترش در
پاییز بوده است از همه طغیانهایش شدیدتر
طغیان سنه ۱۸۶۴ بوده که هر کس شنیده حیرت
نموده است این رود سرچشمه‌ها و منابعش
در ۶۴۶ ذرع ارتفاع و طول مجرایش ۵۰۶ کیلومتر

میباشد عرض متوسط این رود از
بیست ذرع است الی بیست و چهار ذرع
شصت و نه معبر خورد و بزرگ دارد
یکصد باب آسیا از وی علی الدوام در گردش
و حرکت است چهار کارخانه آهن آب کنی
و بیست و دو ارّه کشی و پنج ریسی و کارخانجات
دیگر را بکار انداخته است
سی و هشت پل بر روی این رودخانه بسته اند
که از جمله یازده باب سنگی و دوازده
باب تخته و پایه سنگی و چهارده باب تخته

و یک باب زورقی است
پنجاه و پنج گذر دارد که در هر فصلی از فصول
میتوان از آنها عبور نمود
بیست و هفت نهر عظیم از وی سوا میشود و بمصرف
زراعات میرسد

اُتریش

در میان ملل سلاو و نمسه
مجار سلو و نها از همه نافهم تر میباشند
نه در مقام ضدیت و معارضه از برای اشتهار
اسم و آوازه خود بر می آیند و نه بوقایع تاریخیه
اسلاف خود مستعد میشوند تا از برای خود تحصیل



سلطنت و اداره جداگانه بنمایند چنانکه طایفه
کروات همسایه شان اینکار را کرده اند
عدد نفوس این قوم بدو کرور میرسد که در اغلب
ایالات سرحدیه متفرق میباشند و اینکه در
مملکت نمسه مجار با وجود کثرت نفوس و با دارای
در مقام استقلال خود بر نمی آیند بواسطه
متفرق بودن نشان است از طرفی در ایالت
ایستری تا کنار دریای آدریاتیک رسیده اند
و از سمتی در ولایت اودین با ایطالیا همجوار
شده اند و از طرفی در قلب مجار جای گرفته اند

